

وجود و فعالیت احزاب سیاسی، پیش شرط استقرار و فعالیت نظام پارلمانی

فائزه اسمعیلی طاهری*

چکیده

وجود و فعالیت احزاب سیاسی، یکی از پیش شرط‌های استقرار و فعالیت نظام پارلمانی در کشور ما است. به همین دلیل در این پژوهش تا حد امکان جایگاه احزاب سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران و نظام پارلمانی مورد توجه قرار گرفته است. نشان دادن عدم انطباق موقعیت و نقش آفرینی احزاب سیاسی در نظام پارلمانی و نظام حقوقی - سیاسی فعلی ایران، هدفی است که در این پژوهش به خواهیم پرداخت. در نظام پارلمانی، تحزب سیاسی که نتیجه قبول اصل تکثر و تعارض عقاید می‌باشد به مرتبه اعلی خود رسیده است، به گونه‌ای که دستگاه‌های حزبی و دستگاه حکومت در یکدیگر کاملاً ادغام شده‌اند. با توجه به این که در یک نظام پارلمانی، تشکیل، تداوم و ادامه حیات دولت و نیز برقراری تعادل سیاسی در جامعه از طریق رقابت بین احزاب و جناح‌های سیاسی امکان‌پذیر می‌باشد، لذا در حال حاضر، فقدان احزاب سیاسی قدرتمند و منضبط در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از محدودیت‌های قابل توجه در تبدیل ساختار حقوقی - سیاسی کشور ما به نظام پارلمانی محسوب می‌شود.

کلید واژگان: ایران، نظام پارلمانی، حزب، موقعیت، نظام سیاسی.

◆ فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) / شماره ۵۳ / و

* نویسنده‌ی مسئول کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تبریز

F_esmaeili68@yahoo.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال چهاردهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۲۷-۱۰۹

وجود و فعالیت احزاب سیاسی، پیش شرط استقرار و فعالیت نظام پارلمانی

فائزه اسمعیلی طاهری *

دیباچه

تغییر نظام حقوقی - سیاسی ایران به نظام پارلمانی، موضوعی است که تا حدودی ذهن نظریه پردازان و اهل سیاست را به خود مشغول کرده است. اگرچه نظر به تغییر شرایط، در صورت ضرورت، سیاست‌ها نیز قابل تغییر می‌باشند؛ لیکن این تغییرات زمانی می‌توانند عملاً در کشور پیاده سازی گردند که ظرفیت‌ها و راه کارهای ملازم آن‌ها نیز در ساختار حقوقی کشور وجود داشته باشند؛ در غیر این صورت با تغییر در ساختارهای حقوقی، معضلات بسیاری بروز خواهند کرد.

وجود نظام پارلمانی نیازمند نهادهایی است که منعکس کننده‌ی خواسته‌های تمامی شهروندان باشند و بتوانند نگرش‌ها و شیوه و رفتار شهروندان را در چارچوب‌های معین

* (نویسنده‌ی مسئول) کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تبریز

F_esmaeli68@yahoo.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال چهاردهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۲۷-۱۰۹

حقوقی سامان داده و منعکس کنند. از جمله در یک نظام پارلمانی، تداوم حیات جامعه سیاسی و برقراری تعادل سیاسی از طریق رقابت بین احزاب و جناح‌ها ممکن می‌باشد؛ این در حالی است که اگر فعالیت‌های حزبی را در ایران مرور کنیم، مشاهده می‌کنیم که گروهک‌ها و جمعیت‌های مختلف در جریان حیات سیاسی کشور ظهور یافته و خود را حزب سیاسی نامیده‌اند، در حالی که با گذشت زمانی اندک، به دلایل گوناگون رو به ضعف رفته یا به طور کامل از صحنه‌ی سیاسی محو شده‌اند. علی‌هذا این فرض قابل طرح و بررسی است که "فقدان احزاب سیاسی قدرتمند در نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله موانع ساختاری قابل توجه در نظام کشور برای تبدیل به نظام پارلمانی محسوب می‌گردد" که نمی‌توان به سهولت از آن گذشت. در واقع ضعف احزاب سیاسی، در نهایت مردمی‌ترین دولت‌ها را به خود محوری که مقدمه‌ی استبداد است می‌کشاند. استبداد از جمله منکراتی است که نهی آن شرعاً بر همگان لازم است. با قبول وجوب امر به معروف و نهی از منکر، چنانچه انجام این واجب بر امر دیگری متوقف باشد، آن امر نیز واجب خواهد بود. لذا برای جلوگیری از انحراف سیاسی و تزلزل موازین اسلامی و اصول عدالت در زمامداری، تشکیل گروه‌ها و احزاب بر مبنای پیگیری منفعت عمومی جامعه بر اساس مبانی احکام اسلامی، امری ضروری است (توحیدی، ۱۳۸۵: ۱۰۸). در بررسی نظام پارلمانی ملاحظه می‌کنیم که یکی از ویژگی‌های نظام پارلمانی، وجود احزاب قدرتمند و بسیار منضبط است. احزاب در این نظام برای تمامی اهداف، نقطه نظرات و طرح‌های خود، برنامه‌های دقیق و مدونی دارند. انتخابات پارلمانی فقط با وجود و حضور احزاب سیاسی معنا و مفهوم ملی پیدا می‌کند و برای آنکه مردم ایده و برنامه مشخصی را بر سایر برنامه‌ها و ایده‌ها ترجیح دهند، باید احزاب سیاسی وجود داشته باشند و رقابت سیاسی در سطح و میان رهبران احزاب صورت گیرد و نمایندگان محلی نیز بازتاب‌دهنده این رقابت باشند. این در حالی است که پدیده‌های بی‌شماری در کشور ما که خود را حزب سیاسی خوانده‌اند، با آنچه که از مفهوم احزاب سیاسی در نظام‌های پارلمانی و کشورهای پیشرفته دارای نظام‌های کارآمد حزبی سراغ داریم، تفاوت‌های اساسی و ماهوی دارند. در راستای فرضیه‌ی مطروحه در سطور پیشین، به تفکیک برخی از مهمترین خصوصیات احزاب سیاسی و نقش آن‌ها در

نظام پارلمانی در مقام مقایسه‌ی آن‌ها با موقعیت و نقش احزاب سیاسی در نظام جمهوری اسلامی می‌پردازیم.

۱- موقعیت احزاب سیاسی در نظام پارلمانی و در نظام جمهوری اسلامی ایران

نهادینه شدن پیکارها و کشمکش‌های سیاسی در قالب احزاب را باید یکی از مهمترین جلوه‌های نوگرایی سیاسی دانست (ایوبی، ۱۳۸۲: ۱۳). احزاب سیاسی در یک کشور جزو نهادهای مدنی محسوب می‌گردند که با استفاده از ابزارهای قانونی برای مشارکت در قدرت و یا بدست آوردن قدرت فعالیت می‌نمایند و از اجزای ضروری و جدایی ناپذیر حکومت‌های دموکراتیک به شمار می‌آیند. آیا نهادهای سیاسی مزبور در راستای ایفای نقش مزبور از شرایط و موقعیت یکسانی در نظام پارلمانی و در جمهوری اسلامی ایران برخوردار هستند؟

۱-۱ کارکرد احزاب سیاسی

اصل رقابت باعث تحرک و پویایی گروه‌های فکری، سیاسی و اجتماعی شده و برآیند حرکت مجموعه‌ی نیروها در جامعه منجر به افزایش کارآمدی نظام سیاسی و پایداری آن می‌شود که در نهایت هم نظام و هم شهروندان از آن بهره خواهند برد (اداره‌ی کل سیاسی وزارت کشور، ۱۳۷۷: ۶) و آزادی فعالیت و کارکرد احزاب سیاسی در یک جامعه نمود بارزی از این تحرک است.

در نظام‌های پارلمانی احزاب سیاسی در درون حکومت فعالیت دارند و نه در کنار آن، دستگاه‌های حزبی و دستگاه حکومت در هم ادغام شده‌اند (عالیخانی، ۱۳۷۵: ۳۰۴). این احزاب سیاسی نه تنها برای توسعه‌ی اهداف و برنامه‌های خود، بلکه برای گسترش حاکمیت پارلمان در کشور انگلستان (به عنوان مهمترین و قدیمی‌ترین مصداق یک نظام پارلمانی) برنامه ریزی می‌کنند. (Ingle, 2008: 165) نقش احزاب بویژه در این رژیم‌ها بسیار مهم است؛ جایی که حکومت از اعضای حزب یا احزابی تشکیل می‌شود که اکثریت عمده را در مجلس دارا هستند. همبستگی حزبی میان اعضای فراکسیون پارلمانی حزب یا حزب

اکثریت شدیداً آن‌ها را بی‌میل می‌سازد که علیه دولت رأی بدهند یا حتی از وزرا در پارلمان سؤال نمایند به گونه‌ای که موجب نگرانی دولت گردد (بارنت، ۱۳۸۶: ۱۸۵). در واقع لازمه‌ی تضمین دموکراسی در نظام‌های پارلمانی، مشارکت فعال همه‌ی احزاب و گروه‌های موجود در جامعه می‌باشد. این احزاب باید برای کسب و اعمال قدرت سیاسی به طور مسالمت‌آمیز رفتار نمایند، آموزش‌های سیاسی دموکراتیک دیده باشند و نخبگان آنان قائل به رفتارهای دموکراتیک باشند.

در نظام پارلمانی، حزب به کمال رسیده است و رهبران احزاب دارای قدرت و نفوذ فوق‌العاده‌ای هستند. گردهمایی‌ها و کنفرانس‌های احزاب سیاسی انگلیسی یکی از بزرگترین جلسات سیاسی جهان غرب است. (Florence Faucher-King, 2005: 25) حزب، نتیجه‌ی قبول اصل تکثرو تعارض عقاید است. غرض از فعالیت احزاب سیاسی این است که قدرت و حکومت را در دست بگیرند و برنامه‌های از پیش تعیین شده‌ی حزب را پس از موفقیت در انتخابات عمومی به مرحله‌ی اجرا درآورند. احزاب بزرگ و قدرتمند برنامه‌های خود را تدوین کرده و در معرض رأی مردم قرار می‌دهند، نمایندگان و کاندیداهای خود را معرفی می‌کنند و مردم در حقیقت به احزاب رأی می‌دهند نه به افراد. در واقع مردم پیش از انتخابات، رهبران حزب را می‌شناسند و برنامه‌های احتمالی آن‌ها را می‌دانند و بر این مبنا رأی می‌دهند. این در حالی است که احزاب دیگر جبهه‌ی مخالفان را شکل می‌دهند. وقتی که حزبی به بزرگ‌ترین مخالف رسمی حکومت تبدیل شود، معمولاً اعضای حزب به گونه‌ای رسمی دولت در سایه را تشکیل می‌دهند و زمانی که همان حزب بتواند اکثریت کرسی‌ها در مجلس را در دست بگیرد، آن وقت همان تیمی که دولت در سایه را تشکیل داده بودند تبدیل به اعضای کابینه وزیران خواهند شد. اعضای حزب و رهبران آن در مجلس نمایندگان که نه جزئی از دولت و نه جزئی از مخالفین رسمی یا همان دولت در سایه هستند با نام صندلی‌های عقب شناخته می‌شوند و همیشه به دنبال کسب موقعیت و فرصت قرار گرفتن در کرسی‌های اصلی و تاثیر گذار می‌باشند تا بتوانند در دولت آینده سهم قابل توجهی ایفا کنند. بنابراین، کارکرد صحیح نظام پارلمانی مستلزم فعال بودن نظام حزبی و آزادی فعالیت آن‌هاست.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، اگرچه، فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی به رسمیت شناخته شده است اما در ساختار حقوق اساسی آن، احزاب و گروه‌های سیاسی دارای جایگاه ویژه‌ای نیستند. این امر تا حدی است که برخی اعتقاد دارند به علت روحیه‌ی ضد حزبی در دولت‌های معاصر ایران و در نتیجه خلأ وجود احزاب، حتی مطبوعات سیاسی و فعالیت‌های طبیعی روزنامه‌نگاری نیز همواره قربانی کارکردهای سیاسی حزبی شده‌اند (افخمی، ۱۳۸۱: ۲). حتی در برخی از موارد مشاهده می‌شود که در قوانین مربوط به فعالیت احزاب سیاسی، موانع و محدودیت‌ها بیشتر از سایر مسایل خودنمایی می‌کنند. به عنوان مثال دو اصل بیست و ششم و بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به کلیات مربوط به آزادی احزاب و انجمن‌ها و شرایط و حدود فعالیت آن‌ها پرداخته‌اند. در راستای اصل آزادی احزاب سیاسی مندرج در قانون اساسی، ماده‌ی ششم قانون احزاب مصوب شهریورماه ۱۳۶۰ مقرر می‌دارد: «فعالیت گروه‌ها آزاد است مشروط بر این که مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۶ این قانون نگردند». هرچند این ماده در مقام بیان اصل آزادی است، لیکن ملاحظه می‌شود که محدودیت‌های این اصل، پررنگ‌تر از خود اصل مطرح شده است (مهدی زاده، ۱۳۸۶: ۲۹). ماده ۱۶ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «گروه‌های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیتهای دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند:

- ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود؛
- هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمایندگیها، ارگانهای دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد؛
- دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان؛
- نقض آزادیهای مشروع دیگران؛
- ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی؛
- نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور؛
- تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران؛

- نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی؛
- تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره؛
- ختفاء و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز.

هرچند که برخی از این محدودیت‌ها معنای منجز و مشخصی دارند، اما در مواردی نیز، تعبیر به کاررفته می‌تواند منجر به تفاسیر مختلف شود و آزادی و فعالیت مشروع را از احزاب سیاسی سلب نماید که باید در این زمینه نیز صراحت را مدنظر قرار داد (مهدی زاده، ۱۳۸۶: ۳۶).

۱-۲ پایداری و ثبات احزاب سیاسی

از نظر ساختاری، حزب سیاسی باید دارای سازمان و تشکیلاتی بادوام و مستمر بوده و عمری طولانی‌تر از بنیانگذارانش داشته باشد و بتواند در فقدان آنان نیز همچنان به حیات سیاسی خود ادامه دهد.

در یک نظام پارلمانی احزاب به تمام معنا قابلیت حضور و ارائه کارویژه‌های خود را می‌یابند. این احزاب از عمر طولانی برخوردار می‌باشند و با تغییر و یا فوت رهبر یا رهبران منحل نمی‌گردند و به عبارتی دارای دوام و پایداری هستند. این احزاب با برخورداری از چنین موقعیتی، حلقه‌های رابط میان قوه مقننه و مجریه شمرده می‌شوند که علاوه بر فراهم آوردن امکان و تسهیل امر در گردش نخبگان، وظایف دیگری چون انتقال منظم و دسته بندی شده بازخوردهای نظام تصمیم گیری به داخل سیستم و نیز نظارت بر دستگاه اجرایی را نیز برعهده دارند. اعتقاد و انقیاد افراد نسبت به رهبری حزب به درجه‌ی اطاعت سرباز از فرماندهی خود می‌باشد. آنان به حمایت جانانه از رهبر معتقدند و بی‌اندازه از مخالفت با او نفرت دارند. در برابر این علاقه و اخلاصی که افراد حزب نسبت به رهبری آن دارند، رئیس به تمام معنی مقررات حزب را احترام می‌گذارد و در هر قضیه با رؤسا و برجستگان حزب مشورت می‌کند. همه‌ی این ترتیبات کوچکترین اثری در آزادی عقیده و پایبندی رؤسای حزب با آن چیزی که آن را حق و حقیقت می‌دانند، ندارد (مدرسی چهاردهی، بی تا: ۲-۳). به این ترتیب در نظام پارلمانی، نیازی مستمر به شکل‌های سیاسی

احساس می‌شود، لذا احزاب سیاسی از حالت مقطعی و گذرا خارج شده و حیات تشکیلاتی آن‌ها پس از مرگ رهبرانشان نیز همچنان ادامه می‌یابد. در مورد کشور بریتانیا که بارزترین نمونه‌ی نظام پارلمانی می‌باشد، گفته می‌شود: «عادت انگلیسی‌ها بر آن نیست که همان جور که آدمی پیراهن خود را عوض می‌کند، به سهولت و آسانی از حزبی به حزب دیگر منتقل گردند. بلکه تنها در مواقع ضرورت خیلی مبرم که ایمان راسخ پیدا کنند که با انتقال مزبور بهتر می‌توانند به وطن خدمت کنند، ممکن است از حزبی به حزب دیگر منتقل گردند» (مدرسی چهاردهی، بی تا: ۲-۳). در نظام پارلمانی، تحکیم و تثبیت احزاب برای سامان دادن به مشارکت سیاسی امری ضروری و اجتناب ناپذیر بوده و مقتضیات لازم برای چنین ثبات و استحکامی فراهم است. بنا براین، نبود حزب در ایران، نتیجه فقدان توسعه سیاسی یا در خوشبینانه‌ترین حالت، ناکافی بودن آن در ایران است. قطعاً اگر همچون جوامع توسعه یافته در ایران هم، با نهادینه شدن دموکراسی، مقاطعی که احزاب بتوانند آزادانه فعالیت داشته باشند تداوم بیشتری پیدا می‌کرد، آن‌ها می‌توانستند به گونه‌ای جدی و متکی به اقشار و لایه‌های اجتماعی مرتبط شکل بگیرند. تجربه تاریخ معاصر ایران نشان داده هرگاه که دموکراسی توانسته نفسی بکشد، احزاب و فعالیت‌های حزبی هم سر برآورده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۰۰). لیکن اشکال در این بوده که عمر دموکراسی کوتاه بوده است.

۱-۳ انسجام احزاب سیاسی و انضباط حزبی

در یک نظام پارلمانی، دولت‌ها از یک حزب یا ائتلاف و اتحاد منسجم احزاب تشکیل یافته‌اند. این در حالی است که در هیچ کدام از مقاطع تاریخی ایران، تشکل‌های منسجم و منضبط ملاحظه نمی‌شود.

به عنوان مثال، نظام دوحزبی انگلستان، به مثابه‌ی یک نمونه‌ی کامل از نظام پارلمانی، کاملاً جا افتاده است. دوحزب بزرگ کاملاً سازمان یافته هستند به نوعی که توان ایفای نقش در حیات سیاسی کشور و نیل به قدرت را دارند. از نظر کارکرد پارلمانی، انضباط در رأی دادن بسیار شدید است و برخلاف کشورهای نظیر ایالات متحده، اکثریت هوادار در هر

شرایط از نخست وزیر که رهبر حزب متبوع آنها است، حمایت می‌کنند (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۷۱). انضباط حزبی به این معناست که اعضای حزب، در انتخابات عمومی کشور طبق تعلیمات حزب عمل کنند تا حزب بتواند با قاطعیت در انتخابات شرکت نموده و با تکیه بر فراکسیونی که در پارلمان تشکیل می‌دهد و یا در دولت شرکت می‌کند، برنامه‌ها و سیاست‌های خود را پیش ببرد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۷۱). این احزاب، احزابی سازمان یافته، منسجم و تابع اصول انضباطی معینی می‌باشند و اظهار نظر آن عده از اعضای حزب که به مجلس عوام راه می‌یابند، کاملاً مطابق با اصول انضباطی و تشکیلاتی حزب خود می‌باشد.

نظام دو حزبی با احزاب منضبط موجبات پیدایش حکومت‌های پارلمانی ثابت و مقتدر را فراهم خواهد کرد و از آن جا که در این نوع نظام حقوقی-سیاسی، احزاب به رقابت می‌پردازند، چنانچه تعداد احزاب زیاد باشد، پارلمان و دولت آسیب پذیر خواهند شد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مقتضای نظام پارلمانی وجود دو حزب بزرگ است، هرچند که احزاب دیگر نیز فعال بوده و حتی امکان حضور در پارلمان را دارند؛ همان گونه که از ویژگی‌های بارز حیات سیاسی بریتانیای کبیر نظام دو حزبی است. از قرن هفدهم به این سو، این کشور به استثنای دوره‌های کوتاه مدت، دارای دو حزب بوده است که به طور ادواری در قدرت بوده‌اند (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۷۱). به سبب وجود نظام دو حزبی منضبط در این کشور، به محض این که یکی از دو حزب کارگر یا محافظه کار در انتخابات پارلمانی، اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست آورد، ملکه لزوماً باید دبیر کل آن حزب را به ریاست وزرا برگزیند. به این ترتیب، در نظام پارلمانی احزاب مختلف سیاسی همچنین جزئی جدایی ناپذیر از این نظام پارلمانی محسوب شده و سرنوشت نهاد دولت که مرتبط با پارلمان می‌باشد به ماهیت احزاب گره خورده است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، اکثریت قریب به اتفاق احزاب و گروه‌های کشور، فاقد انسجام و یکپارچگی درونی می‌باشند و انشعابهای مکرر از جمله خصایص آنها است، به طوری که می‌توان گفت بسیاری از احزاب و گروههایی که در هر یک از برهه‌های زمانی پیدا شدند، در واقع محصول این انشعاب‌ها و انشقاق‌ها بودند (دلآوری، ۱۳۸۸: ۲-۳). عدم

شفافیت در موضع‌گیری‌ها و یا تغییر موضع گروه‌های سیاسی پس از گذشت زمان، یکی دیگر از مشکلات در زمینه‌ی تقسیم‌بندی این گروه‌هاست (شادلو، ۱۳۷۹: ۱۷). عمده‌ی ویژگی‌هایی که برای احزاب سیاسی دموکراتیک لازم است، در گروه‌ها و جناح‌های موجود در وضعیت فعلی کشور ملاحظه نمی‌شود. به عنوان مثال در حالی که در کشورهایی که با نظام پارلمانی اداره می‌شوند ائتلاف میان احزاب در یک شرایط آرمانی و در یک فرآیند کاملاً دموکراتیک، در زمان انتخابات برای موفقیت انجام می‌پذیرد و غالباً به کارایی دولت و ثبات بیشتر کشور کمک می‌کند و پس از پایان انتخابات نیز همچنان این تحرکات ادامه می‌یابد؛ تشکل‌ها و جمعیت‌ها در ایران در شرایطی که امکان رقابت برابر بین احزاب و گروه‌های مختلف وجود ندارد، به ائتلاف‌های درون جناحی تنها و تنها به قصد جلوگیری از موفقیت رقیب روی می‌آورند. حتی برخی از این ائتلافات انتخاباتی برای رای نیاوردن رقیب از جناح مخالف نیست، بلکه بعضاً برای کاندیدا نشدن یا رای نیاوردن رقیب از جناح خودی است. این ائتلاف‌ها غالباً مبهم و بعضاً بی‌سرانجام‌اند. احزاب پیش از موعد انتخابات با یکدیگر ائتلاف می‌کنند، عمده تحرکات و پویایی آن‌ها به مقطع انتخابات محدود می‌شود و از پایان شمارش آرا دوباره در رکود فرو می‌روند. در حالی که اگر پارلمان ایران از نمایندگان یک یا چند حزب واقعی تشکیل می‌شد و اکثریت و اقلیت حزبی منظمی داشت، حزب اکثریت دولت را تشکیل می‌داد یا دو حزب ائتلاف می‌کردند و دولتی می‌آوردند و برنامه دولت، برنامه اعلام شده حزب اکثریت بود که مردم به آن رای داده بودند؛ چرا که در انتخابات با حضور پررنگ‌تر و تاثیرگذار احزاب، مردم به افراد، رای نمی‌دهند بلکه به برنامه حزب و کاندیدای حزب رای می‌دهند. لیکن نظام حزبی در جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر فاقد تمام خصوصیات و امتیازات مذکور می‌باشد.

۲- نقش احزاب در نظام پارلمانی و نظام جمهوری اسلامی ایران

کارویژه‌ها و نقش احزاب واقعی همواره مثبت بوده و معمولاً موجب توسعه‌ی سیاسی و ثبات در هر نظام سیاسی است و به همین دلیل است که از آن‌ها به عنوان ستون دموکراسی و جزء ضروری نظام‌های مردم‌سالار یاد می‌نمایند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۷). بیشتر

رخدادهای دیده شده در عرصه‌ی بین‌المللی در راستای تغییر نگرش انسان به وقوع پیوسته است. امروزه نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی را در افزایش بینش و آگاهی سیاسی فرد و جامعه، افزایش ضریب صحت تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی و افزایش مشاکت‌های سیاسی - اجتماعی جامعه نمی‌توان نادیده گرفت (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۴۰).

۱-۲ نقش احزاب در انتخابات

در حال حاضر، گسترش احزاب، تا حد زیادی به توسعه‌ی دموکراسی، یعنی مشارکت عموم مردم در انتخابات بستگی دارد. در حقیقت یکی از موقعیت‌های بسیار مهمی که حزب سیاسی می‌تواند حضور مهم و حساس خود را در عمل بنمایاند، انتخابات می‌باشد. انتخابات، یکی از نمادهای توسعه‌ی سیاسی و تجلیگاهی برای حضور احزاب و تشکل‌های سیاسی است. در حقیقت شروع به کار احزاب سیاسی ابتداً به صورت کمیته‌های انتخاباتی مستقل بود که بعدها تکامل یافته و به صورت انجمن‌های حزبی درآمد (Maor, 2005: 81). حزب همانگونه که به تشکل افراد همت می‌گمارد و خرده‌گرایش‌های فردی و گروهی را در قالب‌های وسیع‌تری می‌ریزد و به صورت جریان‌های فکری عظیم‌تر عرضه می‌کند، در هنگام انتخابات، به تناسب ساز و کار درونی تشکیلات خود، در جهت نیل به اهداف غائی که همانا به دست گرفتن اهرم‌های قدرت سیاسی است، فهرست نامزدهای خود را تنظیم می‌کند و با تمام نیرو به پشتیبانی آنان می‌پردازد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۰: ۷۲۱-۷۲۲).

در یک نظام پارلمانی، احزاب و تشکل‌های سیاسی، با توجه به برخورداری از مجموعه‌ای از حقوق و مزایا، تعهدات و تکالیفی را نیز در قبال سرنوشت سیاسی خود و جامعه بر عهده می‌گیرند. بر همین مبنا این نگرش در آنان تقویت می‌گردد که می‌توانند در اعمال نظر یا نفوذ بر حکومت و دولت بویژه در زمان انتخابات، به قدرت، توانایی و شایستگی‌های خود اطمینان داشته باشند (نوذری، ۱۳۷۸: ۲۶۳).

در این نوع نظام‌ها، حیات نهادهای اجتماعی و مدنی، عمدتاً بر مبنای اجتماع و توافق همگانی بنا شده است. احزاب سیاسی برای تمامی اهداف، نقطه نظرات و طرح‌های خود

برنامه‌های دقیق و مدونی دارند. هنگام برگزاری انتخابات عمومی، این احزاب برنامه‌های خود را در شکل بیانیه‌های رسمی در سطح عمومی منتشر می‌سازند و در طی آن، رؤس سیاست‌ها و خط مشی‌های خود را معرفی می‌کنند و در صورت کسب قدرت به اجرای آن‌ها می‌پردازند. رهبران احزاب، این برنامه‌ها، سیاست‌ها و اهداف اعلان شده را جدی می‌گیرند و هنگام انتخابات نیز از نامزدهای محلی و منطقه‌ای می‌خواهند تا در برنامه‌های تبلیغاتی و انتخاباتی خود به حمایت از برنامه‌های کلی اعلان شده از سوی حزب خود بپردازند (نوذری، ۱۳۷۸: ۲۶۵). اگر چه ممکن است در برخی مواضع دیدگاه‌های احزاب بزرگ مشابه باشد، ولی همچنان به نقاط تمایز سیاست خود تأکید می‌کنند حتی اگر تنها یک درجه باشد (Tapper, 2007: 95). نامزدهای انتخاباتی تعیین شده از سوی شعبه‌های محلی و منطقه‌ای لزوماً مورد تأیید شعبه‌ی مرکزی حزب می‌باشند و کلیه‌ی تصمیم‌گیری‌های مربوط به استراتژی‌های انتخاباتی و تاکتیک‌های سیاسی حزب در هسته‌ی مرکزی اتخاذ می‌شود. هر حزبی که در انتخابات شرکت می‌کند قطعاً دارای یک سری برنامه‌ها و اهداف مشخص است و حضور احزاب گوناگون با برنامه‌های مختلف می‌تواند حضور مردم با سلايق متفاوت را در یک انتخابات تضمین کند.

در حالی که در نظام پارلمانی این احزاب و برنامه‌های اجرایی آنان است که با یکدیگر رقابت می‌کنند و در واقع مردم قبل از اینکه به اشخاص معرفی شده در انتخابات فکر کنند به برنامه‌های اعلام شده از طرف احزاب رای می‌دهند، لیکن متأسفانه در نظام سیاسی کنونی کشورمان این اشخاص و افراد هستند که مورد گزینش و انتخاب قرار می‌گیرند و نه احزاب و برنامه‌ها.

حزب مسلماً دارای یک ارگان رسانه‌ای است که در آن افکار و برنامه‌های خود را به مردم معرفی می‌کند. فعالیت موثر احزاب در زمان انتخابات، انتخاب آگاهانه و جهت‌دار اکثریت مردم را در تشخیص و انتخاب مقام مورد نظر و برنامه‌های او را به همراه خواهد داشت. دولت قوی دولتی است که متکی به یک اکثریت ثابت حزبی باشد و آن حزب هم حزب واقعی اکثریت مردم باشد. لیکن دولت جمهوری اسلامی ایران هنوز هم نتوانسته آنچنان که باید شرایط فعالیت احزاب سیاسی را در جامعه فراهم کند و ما در زمان

انتخابات، فعالیت شایسته‌ی احزاب سیاسی را مشاهده نمی‌کنیم. اتفاقی که امروز در جامعه ایران روی می‌دهد این است که کاندیداها فقط برنامه‌های خود را در قالب شعار و بدون مشخص کردن شیوه اجرا مطرح می‌کنند و فعالیت حزبی موجود در جامعه نیز فقط در قالب عناوین انجام می‌شود این درحالی است که احزاب سیاسی می‌توانند اصلی‌ترین نقش را در یک نظام دموکراسی داشته باشند.

در وضعیت فعلی نظام جمهوری اسلامی ایران که احزاب سیاسی حضور و فعالیت موثر و مناسبی ندارند، مردم در بهترین حالت می‌کوشند که فرد مطلوب خود را از میان نامزدهای منطقه‌ای برگزینند؛ این در حالی است که در سطح ملی هیچ ایده‌ای به ایده و برنامه دیگر ترجیح داده نشده و لذا مضمون واقعی انتخابات محقق نخواهد شد. در یک نظام پارلمانی، با ترجیح دادن حزب بر فرد جلوی اولویت دادن منافع شخصی بر منافع ملی گرفته می‌شود، اعتبار حزب برای حزب اولویت دارد و احزاب سیاسی بر اساس یک انتخاب عقلانی انتخاب می‌کنند. این در حالی است که در کشور ما، نامزدهای منفرد انتخاباتی قادر نیستند که به تنهایی برنامه‌ها و ایده‌های ملی را تدوین و عرضه کنند، به این دلیل، پس از انتخاب شدن نیز، بیش از آنکه در خدمت منافع کشور باشند، در پی منافع شخصی و حداکثر منطقه‌ای خود خواهند بود. از سوی دیگر، نمایندگان منفرد پس از انتخاب شدن تحت نظارت هیچ نیروی اجتماعی و سیاسی نیستند و به سهولت وارد زد و بندهای غیرقانونی و فسادآور می‌شوند؛ در حالی که در نظام پارلمانی، نمایندگان حزبی تحت نظارت‌های شدید حزبی هستند؛ زیرا هر لطمه‌ای که به یک عضو حزب بخورد، به کلیت حزب هم لطمه خواهد خورد و یک حزب وقتی بین بقای خود و بقای یکی از اعضای خود تعارض می‌بیند، بر اعتبار حزب رای می‌دهد.

۲-۲ نقش احزاب در تشکیل، تداوم حیات و سقوط دولت‌ها

امروزه مشارکت احزاب سیاسی در شکل‌گیری ساختار دولت و ادامه‌ی حیات آن، بویژه در نظام‌های پارلمانی، یکی از مسایل مهم و مورد توجه است و هراندازه صبغه دموکراتیک یک نظام سیاسی بیشتر باشد، تاکید و توجه آن روی این موضوع بیشتر است.

کثرت گرایی، از طریق مشارکت احزاب و گروه‌های سیاسی، یکی از اصول مبنایی دموکراسی به شمار می‌رود. از آن جا که در نظام پارلمانی، مشروعیت دولت متکی بر رأی اکثریت اعضای پارلمان است، حضور احزاب در پارلمان و در تشکیل دولت نقش آفرین می‌باشد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۴۷). دولت‌ها از یک حزب یا از ائتلاف و اتحاد احزاب تشکیل یافته‌اند، رهبر حزب برتر، نخست وزیر می‌شود و وزرای خود را غالباً از میان اعضای حزب خود دستچین می‌کند.

در رژیم پارلمانی، رئیس قوه مجریه که معمولاً نخست وزیر نامیده می‌شود، به پیشنهاد رئیس کشور و انتخاب پارلمان مشخص می‌شود. اگرچه رئیس دولت (نخست وزیر یا صدراعظم) حسب مورد به وسیله‌ی پادشاه یا رئیس جمهور تعیین می‌گردد، لیکن وی، که دارای قدرت اصلی می‌باشد، عمدتاً رهبر حزب پیروز در انتخابات پارلمانی است و پس از تمایل اکثریت نمایندگان پارلمان به این سمت منصوب خواهد گردید. نخست وزیر وزرای خود را از میان اعضای منتخب حزب خویش انتخاب کرده به پارلمان معرفی می‌نماید و ضمناً اصول برنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را برای نمایندگان تشریح می‌کند. اگر اکثریت نمایندگان به کابینه وزرا رای اعتماد دادند حکومت مستقر شده و به فعالیت می‌پردازد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۰: ۳۵۷). به این ترتیب تعیین دولت بوسیله‌ی رئیس کشور دلبخواه نیست، بلکه باید با در نظر گرفتن شرایط سیاسی، وضعیت احزاب و نتیجه‌ی انتخابات انجام پذیرد. بدین معنی که اعضای آن از احزاب یا گروه‌هایی باشند که دارای اکثریت در پارلمان بوده و یا لاقلاً، حمایت آنان را پشت سر داشته باشند (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۶). در نظام پارلمانی، ارکان قوه‌ی مجریه یعنی نخست وزیر و وزراء، مجتمعا و منفرداً در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی دارند. اعضای قوه‌ی مجریه سند مأموریت و رسمیت خود را که رأی اعتماد است از نمایندگان مجلس دریافت می‌کنند، از زمان به دست آوردن رأی اعتماد، هیئت وزیران به انجام وظایف خود می‌پردازند و تا زمانی که در این رأی اعتماد خدشه‌ای وارد نشده است هیئت دولت، مقتدرانه به کار خود ادامه می‌دهد. به عبارت دیگر دولت مسئول تمام اعمال خود در برابر نمایندگان ملت است و باید در برابر آن‌ها به طور مداوم پاسخ گو باشد. این الزام به پاسخگویی می‌تواند در صورت اختلاف

نظر، موجبات سرنگونی دولت یا اجبار آن را به استعفا فراهم آورد (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۷). بنابراین، ملاحظه می‌کنیم که اعتماد مأخوذه اعضای قوهی مجریه از حزب حائز اکثریت در پارلمان برای روی کار آمدن و استقرار کابینه، باید برای تداوم حیات دولت نیز همچنان محفوظ بماند. در غیر این صورت، حزب اکثریت در مجلس عوام می‌تواند با طرح مسئولیت سیاسی دولت یا یکی از وزرای آن و دادن رأی عدم اعتماد، در خصوص ابقا یا سقوط هیئت دولت و اعضای آن تصمیم‌گیری نماید و در صورت لزوم، کابینه را ساقط و یا وزیر مورد نظر را وادار به کناره‌گیری نماید. هرچند، نظر به این که نخست وزیر رهبر حزب دارای اکثریت پارلمان است و کابینه‌ی وی منتخب حزبی هستند که در پارلمان حائز اکثریت کرسی‌ها می‌باشد، به ندرت اتفاق می‌افتد که قوهی مجریه قبل از انقضای دوره‌ی قانونگذاری سرنگون شود.

در ایران «پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوهی مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد» (اصل یکصد و سیزدهم). وی در صورت احراز شرایط مقرر در اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی و شرکت در انتخابات، با رأی مستقیم انتخاب شده، انتخاب مجدد او به صورت متوالی، تنها برای یک دوره بلامانع خواهد بود. رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دوره‌ی نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها، که در دور نخست آرای بیشتری داشته‌اند، شرکت می‌کنند. دوره‌ی ریاست جمهوری چهار سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه به وسیله‌ی مقام رهبری آغاز می‌گردد. ملاحظه می‌شود که به استناد قانون اساسی کشور ما، رئیس قوهی مجریه، مستقیماً منتخب مردم است و احزاب و تشکل‌های سیاسی در خصوص روی کار آمدن و استقرار دولت نقش چندانی ایفا نمی‌کنند.

از سوی دیگر، احزاب سیاسی برای برخورداری از یک رقابت و مبارزه‌ی سالم جهت دسترسی به مناصب مهم و تعیین‌کننده‌ی دولتی، نیازمند شرایط محیطی آرام می‌باشند، این در حالی است که احزاب سیاسی کشور ما به دلیل وجود قدرت مطلقه و استبداد دولتی

در ایران، همواره در معرض سرکوب و حذف قرار داشته‌اند و هرگز فرصتی مناسب جهت نهادینه شدن آنان فراهم نگردیده است. دولت‌مداری، دولت‌سالاری مطلق و تمرکزخواهی دارای پیشینه طولانی و تاریخی در ایران می‌باشد و بدیهی است در کشوری که فقط در سه دهه اخیر از بند استبداد و ساختار قدرت مطلقه بنای رهیدن داشته، بسط جامعه و نهادهای مدنی مانند احزاب و نهادینه کردن توسعه سیاسی به راحتی میسر نمی‌باشد. از آن جا که مطلق بودن قدرت، ویژگی تاریخی ساختار سیاسی ایران بوده است، بنابراین، با این ذهنیت تاریخی، دولت قدرت خود را متمرکز و مطلقه می‌خواسته و از این رو، هیچ کانون قدرت رقیب یا مستقلی را در مقابل خویش برنتابیده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱).

ملاحظه می‌شود در حالی که در یک نظام پارلمانی، احزاب سیاسی به عنوان مهمترین شکل‌های مردمی، فعالیت مداوم و مؤثری در استقرار و ادامه‌ی کار دولت داشته و حائز توانایی لازم برای ایفای نقش در حیات سیاسی کشور می‌باشند، لیکن، متأسفانه، تاریخ سیاسی احزاب در ایران از کارنامه مثبت برخوردار نیست و در تاریخ صد ساله اخیر ایران تاکنون حزبی که نقش هدایت حکومت‌ها را داشته باشد، به خود ندیده است. در مطالعه‌ی احزاب و گروه‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، آنچه توجه ما را جلب می‌کند، ظهور تعداد زیاد و گاه بی‌شمار احزاب و دسته‌های سیاسی غالباً کوچکی است که به استثنای معدودی از آنها، بقیه چیزی جز جرگه‌ها و محفل‌هایی محدود و کم دوام نیستند (دلآوری، ۱۳۸۸: ۲). در این خصوص، افراط و تفریط‌های احزاب سیاسی در رابطه با مشارکت سیاسی آنان موجبات بی‌اعتمادی دولت‌ها را در این زمینه فراهم آورده و به همین دلیل در این زمینه کارآیی مناسب و متعادل احزاب مشاهده نمی‌شود و آن‌ها در استقرار و تداوم حیات دولت‌ها چندان تاثیرگذار نیستند و برنامه‌ی دولت‌ها به دلیل فقدان پشتوانه‌ی حزبی از انسجام کافی برخوردار نیست. این در حالی است که گزینش یک سیستم یا نظام حزبی برای تشکیل، تداوم و ادامه‌ی حیات دولت‌ها می‌تواند مسئولیت حکومت و دولت را در برابر مردم تعیین کند، رهبران و دولتمردان را پاس‌خگو سازد و پاسداشت استقلال و همبستگی ملی باشد.

دستاورد

امروزه جامعه‌ای مقبولیت جهانی دارد که تقسیم قدرت از راه شوراهای سازمان یافته‌ی مردمی و احزاب سیاسی و گروه‌های ذی نفوذ صورت گرفته باشد. در چنین جامعه‌ای، منشأ حاکمیت و قدرت، رضایت مردم خواهد بود. احزاب سیاسی که مشخصه‌ی اصلی نظام پارلمانی محسوب می‌گردند موجب نظم بخشی جامعه می‌گردند، به عنوان سخنگوی اعضای جامعه در برابر دولت محسوب گردیده، در فیصله‌ی مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه سرعت بخشیده و با حل بحران‌ها، مانع تقابل میان دولت و ملت و در نتیجه زوال حکومت می‌گردند و در واقع می‌توان گفت که تصور نظام پارلمانی بدون احزاب سیاسی قدرتمند غیرممکن است. این در حالی است که برخلاف بسیاری از احزاب در نظام‌های پارلمانی، احزاب و تشکل‌های سیاسی در ایران معمولاً فرصت فعالیت آشکار سیاسی را نمی‌یابند. در تاریخ معاصر ایران به دلیل حاکمیت طولانی استبداد، احزاب و نهادهای سیاسی مجالی برای فعالیت مشروع و قانونمند نیافته‌اند. عده‌ای نیز عقیده دارند که احزاب سیاسی در ایران یک پدیده‌ی وارداتی و بیگانه به شمار می‌روند که پس از گذشت سال‌ها، هنوز نتوانسته‌اند جای خود را در فرهنگ سنتی تثبیت نمایند، در حالی که هرچقدر مشارکت سیاسی و احزاب سیاسی در یک جامعه رشد یافته‌تر باشند، شرایط مناسب برای تحقق آرمان‌های جمهوری اسلامی افزون‌تر خواهد بود. در هر حال فقدان احزاب سیاسی قدرتمند و وجود ساختار فرهنگ ناسالم سیاسی در این زمینه، شرایط نامساعدی را برای به وجود آمدن رابطه‌ی متقابل میان دولت و ملت ایجاد می‌کند.

بنابراین در حالی که لازمه‌ی تشکیل نظام پارلمانی، وجود احزابی سازمان یافته و تشکل‌های سیاسی قدرتمند است که قادراند به عنوان مغز متفکر نظام، علاوه بر سازماندهی و جهت دهی به افکار عمومی، پیکره‌ی نظام سیاسی را تحت کنترل خود درآورده و راه را برای توسعه‌ی پایدار سیاسی هموار کنند، هیچ حزبی به معنای واقعی آن در نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد و اگرچه در ظاهر تجربه‌ی تحزب مورد تقلید قرار گرفته است، لیکن در عمل اهداف عمده‌ی تحزب که شامل شکل دهی به افکار عمومی، از بین بردن ناهنجاری‌ها و تنش‌های سیاسی و ایجاد و استقرار قلمروی مناسب جهت حاکمیت

رقابت‌های مسالمت‌آمیز نهادهای مدنی و اجتماعی می‌باشد، تحقق نیافته است. بنابراین، بدون داشتن حداقل دو حزب سیاسی به معنای واقعی و منسجم در کشور ایران، امکان استقرار نظام پارلمانی وجود ندارد. امکان تغییر فرهنگ سیاسی و انتخاباتی فرد محور که در حال حاضر بر کشور ما حاکم است، با یک دستور و یک قانون در مدت زمانی کوتاه غیرممکن است، لذا طی چند ماه و چند سال آینده زمینه‌ی جایگزینی نظام حقوقی- سیاسی فعلی جمهوری اسلامی ایران با نظام پارلمانی وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها:

الف) منابع فارسی

۱- کتاب‌ها

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸): **علل نا کارآمدی احزاب سیاسی در ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اداره‌ی کل سیاسی وزارت کشور، دبیرخانه‌ی کمیسیون ماده‌ی ۱۰ احزاب (۱۳۷۷)، **شناسنامه‌ی تشکلی‌ها و احزاب سیاسی جمهوری اسلامی ایران** چاپ اول، تهران، انتشارات کمیل.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۲): **پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب**، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش.
- بارت، اریک (۱۳۸۶): **مقدمه‌ای بر حقوق اساسی**، ترجمه‌ی عباس کدخدایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- تبریزیا، حسین (۱۳۷۱): **علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران**، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات مرکز نشر بین‌المللی.
- توحیدی، احمد رضا (۱۳۸۵): **تأملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، بی‌جا، قم، انتشارات معارف.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۲): **همه‌ی حقوق بشر برای همه**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- شادلو، عباس (۱۳۷۹): **اطلاعاتی درباره‌ی احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز**، چاپ اول، تهران، انتشارات گستره.

- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۸): **حقوق اساسی**، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان.
- عالیخانی، محمد (۱۳۷۵): **حقوق اساسی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات دستان.
- قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۸۰): **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۳۸۹): **بایسته‌های حقوق اساسی**، چاپ سی و نهم، تهران، انتشارات میزان..
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۰): **حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- هریسی نژاد، کمال الدین (۱۳۸۷): **حقوق اساسی تطبیقی**، چاپ اول، تبریز، انتشارات آیدین.

۲- مقالات

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶): «**علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران**»، نشریه‌ی زمانه، شماره‌ی ۶۶.
- افخمی، حسین (۱۳۸۱)، «**کارنامه‌ی مطبوعات و احزاب سیاسی در ایران**»، مجله‌ی سیاسی-اجتماعی گزارش، شماره‌ی ۱۳۵.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۱)، «**درآمدی بر خاستگاه و فرآیند تکوین احزاب سیاسی در ایران معاصر**»، نشریه‌ی دانش انتظامی، شماره‌ی ۴.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، «**زمینه‌های اجتماعی ناپایداری احزاب سیاسی در ایران (از مشروطیت تا انقلاب اسلامی)**»، فصلنامه‌ی نقد و نظر، شماره‌ی ۷.
- مدرسی جهادهی، مرتضی (بی‌تا)، «**حزب در ایران**»، مجله‌ی مسائل ایران، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۱۲.
- مهدی زاده، مهدی (۱۳۸۶)، «**مقدمه‌ای بر آسیب شناسی احزاب سیاسی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی، شماره‌ی مسلسل ۸۸۷.

۳- قوانین و مقررات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منصور، جهانگیر (۱۳۸۶)، چاپ پنجاه و سوم، نشر دوران، تهران.

- قانون فعالیت احزاب و انجمن‌ها و جمعیت‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ (مندرج در سایت www.moi.ir) (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۲/۲/۱۸).

ب) منابع انگلیسی

- Florence Faucher - King(2005) : Changing Parties An Anthropology of British Political Party Conference, published by Palgrave Macmillan, First Edition.
- Ingle, Stephen(2008):The British Party System, published by Routledge, Fourth edition.
- Maor , Moshe(2005): Political Parties and Party Systems, published by Routledge, First Edition.
- Tapper, Ted(2007) :The Governance Of British Higher Education, Oxford Centre for Higher Education Policy Studies,New College, Oxford, Published by Springer.